آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۱۰۹
شنبه
۱۴۰۴•۰۲•۲۷
۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۶ / ۱۷ می ۲۰۲۵

گزارش

تاثیر انحلال پ.ک.ک بر مذاکرات ایران و آمریکا

انحلالی به مثابه یک عمل جراحی برای کل منطقه

انحلال پ. ک. ک (حزب کارگران کردستان) گروه شبه نظامی کردی که بیش از چهار دهه با دولت ترکیه در حال نبرد مسلحانه بود و شاخه‌های وابسته به آن نیز در ایران و سوریه فعال بوده‌اند، شاید در ظاهر مسئله‌ای مرتبط با سیاست داخلی ترکیه به نظر می‌رسد. با این وجود، کارشناسان مسائل منطقه‌ای این موضوع را تاثیرگذار بر روی معادلات منطقه‌ای از جمله مذاکرات ایران و آمریکا قلمداد می‌کنند. یک مقام سابق نظامی عراق معتقد است: این گام، نقشه سیاسی و امنیتی منطقه را مطابق با منافع ترکیه بازسازی خواهد کرد که ارتباط نزدیکی با مذاکرات آمریکا و ایران دارد. این تحولات جدای از مذاکرات ایران و آمریکا نیستند، بلکه بخشی از تفاهمات بزرگ‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که بر توازن قوا در منطقه تاثیر خواهند گذاشت.

تجربه شکست خورده

پس از دهه‌ها سرکوب کردها در ترکیه و ایده‌هایی از سوی رهبران سابق ترکیه از جمله «تورگوت اوزال» و «نجم‌الدین اربکان» هرگز به پروژه‌هایی ملموس تبدیل نشدند، پروژه‌های عملی برای حل مسئله کردها در ترکیه با حزب عدالت و توسعه به رهبری «رجب طیب اردوغان» پدیدار شد. اردوغان برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ میلادی به وجود آنچه که او «مشکل کردها» در ترکیه می‌نامید، اذعان کرد. پس از اصلاحات سیاسی و حقوقی متعدد، مذاکرات محرمانه در سال ۲۰۰۹ میلادی بین سازمان اطلاعات ترکیه و پ.ک.ک که ترکیه آن را به عنوان یک سازمان تروریستی و جدایی‌طلب طبقه‌بندی کرده است، آغاز شد. این مذاکرات منجر به آن شد که «عبدا... اوجالان» رهبر تاریخی آن گروه در سال ۲۰۱۳ میلادی خواستار زمین گذاشتن سلاح به عنوان بخشی از «روند سازش» با دولت ترکیه شده بود. او این درخواست را در سال ۲۰۱۵ نیز تکرار کرد. با این وجود، آن روند با تحولات داخلی سوریه که منجر به ایجاد ادارات ساختار خودمختار کردی در شمال سوریه شد، به بن‌بست رسید. این امر به بازگشت پ.ک.ک به عملیات زمینی و مبارزه ترکیه در داخل و در سوریه و عراق دامن زد. در سال‌های پیش از آن، مشخصا در اکتبر سال گذشته میلادی، «دولت باهچلی» رهبر حزب راستگرای افراطی «حرکت ملی» چیزی را که او فرآیند «ترکیه بدون ترور» نامید، آغاز کرد و از پ.ک.ک خواست تا انحلال خود را اعلام کرده و سلاح‌های خود را زمین بگذارد. اوجالان و سپس پ.ک.ک با مجموعه‌ای از اقدامات و بیانیه‌ها که در نهایت به تصمیم انحلال منجر شد، به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. این نکته حائز اهمیت بود، زیرا «باهچلی» به طور سنتی در سالیان گذشته مخالف راه حل سیاسی برای مسئله کردی بود و نکته مهم‌تر آنکه حزب او در ائتلاف با حزب عدالت و توسعه بوده است. مسیر سیاسی کنونی در بسترهایی کاملا متفاوت، شاید حتی متضاد، با سال‌های تأسیس پ.ک.ک و شکست مسیر پیشین پدیدار شده است.

چهار تفاوت اساسی

از جمله تفاوت‌های اساسی بین روند اخیر صلح میان پ.ک.ک و دولت ترکیه با روند قبلی که در سال ۲۰۰۹ میلادی آغاز شد و در سال ۲۰۱۵ میلادی به شکست انجامید، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ابتکار عمل روند اخیر از سوی باهچلی مطرح شد و نه از طرف رئیس‌جمهور ترکیه. این بخشی از درس‌های آموخته شده از تجربیات گذشته است که احتیاط را به جای عجله تشویق می‌کند، به طوری که دولت از یک سو مسئولیت مستقیم گام‌های خاص و از سوی دیگر مسئولیت بسیج حمایت از این روند را بر عهده نداشته باشد. برخلاف آن چه پیش‌تر در جلسات مکرر بین نمایندگان ترکیه و حزب کردی «دموکراتیک خلق» و سند «ده ماده‌ای» امضا شده میان طرفین رخ داده بود، هیچ پیش‌شرط، اصول اعلام‌شده یا توافق رسمی در مورد این مسیر وجود نداشت. با این وجود، بیانیه‌ها و مراحل بعدی حاکی از وجود تفاهمات اعلام نشده بود. تفاوت سوم مربوط به اجرای روند اخیر است، زیرا گام‌های عملی از سوی یک حزب، یعنی پ.ک.ک، برداشته شده بدون اینکه تاکنون هیچ گام رسمی یا اعلام‌شده‌ای از سوی دولت ترکیه برداشته شده باشد. در نهایت، چهارمین تفاوت عمده مربوط به محتوا است، زیرا پ.ک.ک به ایده کنار گذاشتن سلاح‌های خود بسنده نکرد، بلکه انحلال نهایی، توقف فعالیت‌های خود و اتخاذ اقدام سیاسی را اعلام کرد. یکی از چالش‌های دوام صلح مربوط به برخی از خواسته‌های پ.ک.ک است که در بیانیه اخیر به طور ضمنی بیان شده و قبلاً در بیانیه‌های قبلی به آن اشاره شده است، مانند رهبری و هدایت اوجالان در اجرای تصمیمات اتخاذ شده و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی او که به معنای درخواست ضمنی برای آزادی اوست.

آیت‌ا... محسن غرویان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان با ترامپ مذاکره و تحریم‌ها را لغو کند

پزشکیان مانند امام(ره)، جام زهر را نوشید

مذاکره به نتیجه برسد، تاریخ از پزشکیان تقدیر خواهد کرد

آرمان ملی- احسان اسقایی: پس از ارسال نامه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا به رهبر انقلاب، مسیری تازه در روابط ایران و آمریکا گشوده شد. مذاکره‌ای که ابتدا در هاله‌ای از ابهام قرار داشت، اکنون وارد فاز جدی‌تری شده است. در این میان، نقش مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، نقشی کلیدی و تأثیرگذار ارزیابی می‌شود؛ کسی که در ابتدا از تمایل خود برای مذاکره در صورت لغو تحریم‌ها سخن گفت، سپس در مقطعی اعلام کرد که چون سیستم تصمیم‌گیری با مذاکره موافق نیست، او هم پای این مسیر نمی‌ایستد. اما در نهایت، به نظر می‌رسد این شخص او بود که توانست در سطوح عالی سیاسی و امنیتی کشور، اجماع لازم را برای آغاز مذاکره با آمریکا در شورای عالی امنیت ملی به دست آورد. در این زمینه با آیت‌ا... محسن غرویان، استاد حوزه و دانشگاه، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. او در این گفت‌وگو بر ضرورت عقلانیت سیاسی، توجه به منافع ملی و تعامل منطقی با جهان تأکید می‌کند و بر این باور است که مذاکره مستقیم با ترامپ می‌تواند گامی مهم در مسیر لغو تحریم‌ها و کاستن از بحران‌های اقتصادی ایران باشد.

در گذشته رئیس جمهور تمایل خود را به مذاکره با آمریکا اعلام کرده بود اما این پیشنهاد ابتدا با مخالفت روبه‌رو شد. با این حال، مدتی بعد فرمان مذاکره صادر شد. چرا این چرخش در موضع‌گیری نسبت به مذاکره با آمریکا رخ داد؟

عالم سیاست، عالم تغییرات و تصمیم در این حوزه همواره تابع شرایط و تحولات بین‌المللی است. در همین راستا، مقامات جمهوری اسلامی همواره باید واکنش‌هایی عاقلانه و مبتنی بر منافع ملی از خود نشان دهند. مذاکره، اساسا امری ضروری و غیرقابل انکار است، به‌ویژه در دورانی که کشور با مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی مواجه است. دولت آقای پزشکیان از ابتدا رویکرد تعاملی با جهان را اعلام کرد. شخص رئیس جمهور نیز پس از آغاز به کار، بارها تأکید کرد که مشکلات در حوزه روابط بین‌الملل باید حل شود؛ مگر در موارد خاصی چون رژیم صهیونیستی که اصول و مبانی انقلاب اسلامی اجازه نزدیکی با آن را نمی‌دهد. بنابراین، نقش دولت پزشکیان در گشودن مسیر مذاکره با آمریکا انکارناپذیر است. شاید کمتر کسی مانند او در این سطح از ساختار نظام برای حل ریشه‌ای این مساله، رایزنی کرده باشد.

برخی معتقدند که مذاکره با دولتی که همزمان در حال اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران است، نشانه ضعف یا تناقض در سیاست خارجی ماست. نظر شما چیست؟

این طور نیست. باید این نکته را در نظر گرفت که جایگزین مذاکره چیست؟ آیا تقابل، تحریم بیشتر، یا حتی جنگ؟ هر گزینه‌ای غیر از مذاکره، راه حلی مسالمت‌آمیز نخواهد بود. زمانی که باب گفت‌وگو گشوده شده، دیگر بحث از مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم محلی از اعراب ندارد. اصل موضوع این است که مسائل باید حل شوند. حتی اگر لازم باشد ملاقات مستقیم بین روسای جمهور صورت گیرد، نباید از آن ابا داشت؛ مساله اصلی حفظ منافع ملی است. البته در هر مذاکره‌ای، هنر این است که کمتر امتیاز بدهیم و بیشتر بگیریم؛ نه اینکه همه خواسته‌های طرف مقابل را بپذیریم، یا انتظار داشته باشیم طرف مقابل همه خواسته‌های ما را اجرا کند. چنین چیزی مذاکره نیست، بلکه تسلیم یا تحمیل یک جانبه است. مذاکره واقعی، فرآیند رسیدن به تفاهمی برد–برد است. اینجا عقلانیت سیاسی اهمیت زیادی دارد؛ هیچ طرفی نباید سرسختی غیرمنطقی نشان دهد، همان طور که نباید زیر بار زیاده‌خواهی برود.

برخی نگرانند که در صورت موفقیت این مذاکرات، شخص آقای پزشکیان هم دچار سرنوشتی مشابه حسن روحانی شود و توسط جریان‌های تندرو حذف شود. آیا این نگرانی واقعی است؟

پزشکیان از ابتدا آگاه بود که مسیر سختی را انتخاب کرده و برای حل چالش‌های کشور وارد صحنه شد. او می‌دانست که با مقاومت‌ها و هزینه‌هایی روبه‌رو می‌شود. اما گام در مسیری نهاد که به نفع ملت ایران بود. آقای پزشکیان در این مسیر مانند حضرت امام(ره)، جام زهر را نوشید. برای حفظ منافع ملی، جلوگیری از جنگ، و مقابله با تحریم‌ها، آماده فداکاری شد. این نگاه ایثارگرانه و مسئولانه باید قدردانی شود. اگر در این راه فداکاری شود و کشور از بحران نجات یابد، این خدمت بزرگی به ملت، نظام و آینده ایران است. آینده‌نگری و وطن‌دوستی، فراتر از ملاحظات سیاسی و جناحی است. آقای پزشکیان باید هر چه بیشتر در این زمینه حرکت کند و به وعده خود برای حل مسائل بین‌المللی که باعث ایجاد یک نظام تحریمی علیه ایران شده، عمل کند. در غیر این صورت مردم سرد خواهند شد و امید آنها برای بهبود شرایک کشور از بین می‌رود.

> تندروها تغییر نکرده‌اند. نگاه آنها به مسائل کشور همان است که بود؛ نگاه مبتنی بر تقابل و نفی عقلانیت تعاملی. این نگاه، برخاسته از نوعی جاهلیت سیاسی است که همواره مانع توسعه و تعامل بوده است

> پزشکیان از ابتدا آگاه بود که مسیر سختی را انتخاب کرده و برای حل چالش‌های کشور وارد صحنه شد. او می‌دانست که با مقاومت‌ها و هزینه‌هایی روبه‌رو می‌شود، اما در مسیری رفت که به نفع ملت ایران بود

آیا تندروها حاضرند چنین مسیری را بپذیرند؟ یا همانند دوران روحانی، باز هم سنگ‌اندازی خواهند کرد؟

تندروها تغییر نکرده‌اند. نگاه آنها به مسائل کشور همان است که بود؛ نگاه مبتنی بر تقابل و نفی عقلانیت تعاملی. این نگاه، برخاسته از نوعی جاهلیت سیاسی است که همواره مانع توسعه و تعامل بوده است. این افراد نه شرایط کشور را درک می‌کنند و نه می‌خواهند بفهمند که در دنیای امروز، هیچ کشوری با انزوا پیشرفت نکرده است. امروز کشورهای عربی منطقه در حال انعقاد قراردادهای میلیارد دلاری با آمریکا هستند؛ آنها فرصت را غنیمت می‌شمارند. اگر ایران در این مسیر تأخیر کند، عقب خواهد ماند و این عقب‌ماندگی صرفا اقتصادی نیست، بلکه تضعیف موقعیت سیاسی ایران در منطقه و جهان را نیز در پی خواهد داشت. شرایط کنونی کشورمان را در نظر بگیریم کشورهای منطقه که روزگاری از ما عقب‌تر بوده‌اند امروز دیدگاه متفاوتی دارند و در حال پیشرفت و توسعه هستند. از این رو ایران نیز باید بکوشید موانع توسعه را که مهم‌ترین آن تحریم‌هاست، بردار تا بتوانیم در مسیر واقعی توسعه قرار بگیریم. نمی‌توان بیش از این اقتصاد کشور را معطل کرد تا محریم‌ها بیشتر و بیشتر بر اقتصاد کشور و معیشت مردم اثر بگذارد. باید عملا جلوی روند فرسایشی موجود را گرفت و از فرصت کنونی استفاده کرد تا تحریم‌ها لغو شود و به قول معروف قطار توسعه بر روی ریل اصلی خود قرار گیرد و عقب‌ماندگی‌های چند سال گذشته که علت آن تحریم‌هاست جبران شود.

پیشنهاد سرمایه‌گذاری مشترک آمریکا در ایران، مانند سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر یا کنسرسیوم‌های غنی‌سازی اورانیوم، چه پیامی دارد؟ آیا این موضوع می‌تواند موتور محرک گفت‌وگوهای آینده باشد؟

سفر ترامپ به عربستان، امارات و قطر حامل پیام روشنی است: آمریکا در پی تقویت روابط اقتصادی و سیاسی در منطقه است. او حتی در همین سفرها، اشاره کرده که خواستار توافق با ایران است، اگرچه همزمان ادعاهایی نادرست نیز علیه ایران مطرح کرده. این رفتارها نشانه تغییراتی در رویکرد آمریکا نسبت به ایران است. ایران می‌تواند با پیشنهادهایی چون سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه انرژی، به جایگاه اقتصادی منطقه‌ای خود بیفزاید. باید از فرصت‌های تجاری استفاده کرد تا نتایج ملموس مذاکرات به مردم نشان داده شود. مردم از خود می‌پرسند: چرا ما نباید با آمریکا گفت‌وگو کنیم؟ چرا نباید وضع اقتصادی بهتر شود؟ اگر آمریکا پیشنهاد مذاکره می‌دهد، باید از آن استقبال کرد، نه با انفعال یا شعار، بلکه با منطق، برنامه و قدرت چانه‌زنی. اصلاً یکی از اهداف اصلی مذاکرات باید سرمایه‌گذاری خارجی باشد. اقتصاد ایران امروز به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است، به‌ویژه در حوزه نفت، گاز، فناوری و زیرساخت. اگر فضا به سمت تنش‌زدایی برود، حتی ایرانیان خارج از کشور هم رغبت پیدا می‌کنند سرمایه‌شان را بیاورند. من معتقدم که مذاکره درست و با پشتوانه ملی، می‌تواند یک «قفل بزرگ اقتصادی» را باز کند. اینکه آمریکا به ایران سرمایه بیاورد، اصلاً عجیب نیست؛ اگر منافعش در آن باشد، حتما خواهد آورد.

برخی بر این باورند که اصولگرایان اجازه نخواهند داد نتایج مذاکره به نفع دولت فعلی تمام شود. آیا چنین سناریویی محتمل است؟

در سیاست ایران، همیشه تعارض‌های جناحی وجود داشته است. اما اگر اصولگرایان نیز واقعا دغدغه نظام و مردم را دارند، باید از نتایج مثبت مذاکره حمایت کنند، فارغ از اینکه چه کسی رئیس جمهور است. ملت ایران خسته از تحریم، فشار اقتصادی، و انزوای جهانی است. هر گامی در جهت کاهش این فشارها، باید مورد حمایت قرار گیرد. مخالفت با مذاکره فقط زمانی معنا دارد که بدیل مناسبی ارائه شود؛ در غیر این صورت، مخالفت صرف، چیزی جز لجبازی سیاسی نیست. امروز، عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که به جای درگیری‌های جناحی، در پی خروج از بحران و تقویت موقعیت ایران در سطح جهانی باشیم. هرکسی مانع این مسیر شود، مسئول عواقب آن نیز هست. توصیه من به نیروهای تصمیم‌گیر آن است که واقع‌بینی را جایگزین شعارزدگی کنند. دنیا در حال تغییر است و ما نیز باید خود را با تحولات جدید تطبیق دهیم. مذاکره با آمریکا، اگر با دقت، تدبیر و برنامه‌ریزی صورت گیرد، می‌تواند یک فرصت تاریخی باشد. نباید این فرصت مانند ابرهای بهاری از دست برود. در روایات اسلامی نیز آمده است که از فرصت‌ها بهره ببرید. امروز هم فرصت داریم که از گفت‌وگو برای حل مسائل کشور استفاده کنیم. نباید همه چیز را در پای میز مذاکره از دست داد، اما اصل مذاکره، نفس گفت‌وگو، نشانه بلوغ سیاسی یک ملت است. در یاد داشته باشیم نقش پزشکیان در باز شدن باب گفت‌وگو با آمریکا، نقشی تاریخی و غیرقابل انکار است. او در مسیری قدم گذاشته که اگر با موفقیت همراه شود، می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی باشد. اما این مسیر، نیازمند همراهی و عقلانیتی جمعی است. آن چه اکنون اهمیت دارد، استفاده از فرصت دیپلماسی برای پایان دادن به بن‌بست‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی است. باید اجازه داد گفت‌وگو مسیر خود را طی کند؛ بدون تخریب، بدون سنگ‌اندازی، و با هدف تأمین منافع ملی.

برخی معتقدند حتی اگر توافقی با آمریکا انجام شود، به دلیل نبود تضمین حقوقی از جانب کنگره یا دیوان بین‌المللی، دوباره زیر پا گذاشته خواهد شد. پاسخ شما چیست؟

ببینید، بله، هیچ توافقی در دنیای سیاست تضمین ۱۰۰ درصد ندارد. حتی قطعنامه‌های شورای امنیت هم گاهی نقض شده‌اند. اما ما نباید از ترس نقض، از اصل توافق بگذریم. همان طور که در زندگی روزمره هم قرارداد می‌بندیم، ولو اینکه احتمال بدقولی طرف مقابل وجود دارد. این‌که مذاکره نکنیم چون ممکن است دوباره تحریم شویم، مثل این است که اصلاً مدرسه نرویم چون شاید مدرک‌مان به درد نخورد! من می‌گویم باید مذاکره کنیم، چون در همین فرآیند است که می‌توانیم دنیا را همراه کنیم و طرف مقابل را وادار به پاسخگویی کنیم.

> ایران می‌تواند با پیشنهادهایی چون سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه انرژی، به جایگاه اقتصادی منطقه‌ای خود بیفزاید. باید از فرصت‌های تجاری استفاده کرد تا نتایج ملموس مذاکرات به مردم نشان داده شود

ذره بین

عبدالرضا فرجی‌راد درباره توافق مطرح کرد

آمریکا فهمیده که راه دیگری نیست

اگر توافق نشود باید به فکر راه حل سوم یا توافق موقت بود

آرمان ملی: در حالی‌که چهارمین دور مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا به میزبانی عمان برگزار شده، فضای سیاست خارجی ایران وارد مرحله‌ای تازه شده است. نیویورک تایمز ادعا کرده است که ایران قرار است بسته‌ای پیشنهادی ارائه دهد که شامل ادامه غنی‌سازی اورانیوم در چارچوب یک کنسرسیوم مشترک با مشارکت کشورهای منطقه‌ای مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی است. این پیشنهاد می‌تواند به‌عنوان گامی در جهت اعتمادسازی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای تلقی شود. در سطح منطقه‌ای، عربستان سعودی نیز رویکردی متفاوت اتخاذ کرده و از تداوم مذاکرات ایران و آمریکا استقبال کرده است. این تغییر موضع، در راستای رویکرد جدید سعودی‌ها برای کاهش تنش در منطقه و پیگیری دیپلماسی فعال با تهران، قابل تحلیل است. با این حال، همچنان پرسش‌هایی بنیادین باقی است: مذاکرات فعلی تا چه اندازه ظرفیت عبور از خطوط قرمز طرفین را دارد؟ آیا می‌توان چشم‌اندازی برای توافق گام‌به‌گام یا نانوشته متصور شد؟ و در نهایت، سیاست خارجی ایران در میان این معادله پیچیده داخلی، منطقه‌ای و جهانی چگونه بازتعریف خواهد شد؟

به عقب برنمی‌گردیم

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در این خصوص که باتوجه به تاکید طرف آمریکایی بر توقف غنی‌سازی ایران و از آن سو پافشاری تهران بر حق غنی‌سازی، آیا فضای مشترکی برای رسیدن به توافق وجود دارد اظهار داشت: در دور چهار مذاکرات در مسقط بر اساس اظهارات آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه ایران حق غنی‌سازی ندارد، همه تصور می‌کردند که مذاکرات در این دور متوقف می‌شود، اما بالاخره ایده‌هایی مطرح شده است که شاید ایران حق غنی‌سازی حداقلی را داشته باشد و بتوانند از بن‌بست خارج شوند. تصورم این است که در دوره‌های بعدی مذاکرات راهی پیدا خواهد شد و می‌توانیم بگوییم تقریبا به عقب بر نخواهیم گشت. به نوشته اقتصاد۲۴؛ عبدالرضا فرجی‌راد گفت: صحبت‌های مقامات آمریکایی و اظهارات هفته جاری ترامپ در عربستان همه نشان می‌دهد که هر دو طرف دنبال راه حلی هستند. ممکن است زبان ترامپ درباره پیشرفت‌های ایران کمی تند بوده باشد، اما در مورد مسئله هسته‌ای از دوره‌های قبل نرم‌تر بود و حتی صحبتی از حمله دیگر به میان نیاورد؛ بنابراین آنها به نتیجه رسیده‌اند که باید به یک توافق برسند و اگر این امر محقق نشود، راه حل سوم یا توافق موقتی باید صورت گیرد تا پس از آن مذاکرات مجدد ادامه پیدا کند. این دیپلمات پیشین در مورد اینکه آیا پیشنهادی که نیویورک تایمز مدعی شده از سوی ایران مطرح شده است، از سوی آمریکا و کشورهای عربی مورد قبول قرار می‌گیرد بیان کرد: این خبر هنوز تایید نشده است. ممکن است در فکر طرف ایرانی بوده و در جایی مطرح شده باشد و پیشنهاد خوبی‌ست؛ اما معلوم نیست طرف عربی آن را بپذیرد. یک الگویی است که می‌تواند مطرح شود ولی آنچه شنیدم مبنی بر این است که هنوز به طور رسمی در مذاکرات مطرح نشده است. در مجموع ممکن است راه حل سوم همین باشد. وی افزود: بعید است آمریکا مشکلی داشته باشد، اما باید تا دور دیگر مذاکرات صبر کنیم و ببینیم چه قدر این ادعا صحت دارد. به نظر من اعراب با فشار آمریکا این پیشنهاد را می‌پذیرند، به این دلیل که آنها خودشان برنامه‌های ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای متفاوتی دارند؛ امارات با کمک چین چند نیروگاه ساخته و عربستان هم در مورد ساخت این نیروگاه‌ها دارد با آمریکا توافق می‌کند از این رو شاید برایشان دشوار باشد که با ایران به صورت مشترک کار کنند. اما اگر آمریکا بخواهد خیالش از برنامه هسته‌ای ایران راحت باشد، طرح خوبی است و شاید بخواهند کنسرسیوم مشترک شکل دهند.

تلاش اعراب

این استاد ژئوپلیتیک درباره پشت پرده سفر ترامپ به کشورهای عربی منطقه عنوان کرد: اصل این سفر اقتصادی است. ترامپ هر حرکتی که انجام می‌دهد اقتصادی است و در این سفر دستاوردهای بزرگی داشته است. اما منطقه ما حساس است و مسائل مختلفی در آن مطرح می‌شود؛ از جمله مسئله غزه، فلسطین، لبنان، سوریه و مسائل هسته‌ای ایران که بدون شک درباره این مسائل صحبت شده است. وی ادامه داد: یک نمونه از مسائل ژئوپلیتیکی همین است که ترامپ با لغو تحریم‌های سوریه موافقت کرد و این یک دستاورد سیاسی بزرگی‌ست. همچنین احتمالا صحبت از آتش‌بس غزه هم مطرح می‌شود؛ البته نتانیاهو با ترامپ روی دور لجبازی افتاده است ولی نتیجه گفت‌وگوها را باید دید. از این رو علاوه بر دستاوردهای اقتصادی، مسائل سیاسی و ژئوپلیتیکی مطرح شده است و فکر می‌کنم هر دو در اهمیت بوده است. فرجی‌راد در این خصوص که عدم حصول توافق میان ایران و آمریکا آیا می‌تواند منجر به تقویت ائتلاف عربی- غربی علیه ایران شود تصریح کرد: خیر، بالاخره کشورهای عربی حوزه خلیج فارس استراتژی توسعه دارند. وقتی چنین استراتژی را انتخاب می‌کنید به دو چیز نیاز دارید؛ یکی صادرات گسترده نفت و انرژی و دیگری ثبات در منطقه. در واقع هر نوع تنش و ائتلافی با آمریکا برای درگیری، این دو فاکتور را به خطر می‌اندازد؛ بنابراین به نظر من اعراب سعی می‌کنند تا ترامپ را از هرگونه حمله و تنش دور کنند. ضمن اینکه معتقدم خود آمریکا هم دنبال درگیری نیست. کما اینکه ترامپ دو روز پیش گفت که می‌خواهم مرد صلح باشم. کسی که می‌خواهد مرد صلح باشد و به استانبول می‌رود تا با پوتین و زلنسکی و اردوغان درمورد آتش‌بس جنگ اوکراین صحبت کند، واسطه هند و پاستان می‌شود یا در مورد غزه به اسراییل فشار می‌آورد، همه به دلیل این است که یک اعتبار شخصی برای خود ایجاد کند.